

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

پند اجتماعی در دیوان حافظ

فریبا محمودی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

عضو هیأت علمی، گروه زبان و ادبیات فارسی و آموزش معلمان، دانشکده علوم انسانی واحد میانه، دانشگاه

آزاد اسلامی، میانه، ایران

Email:fmahmoudi87@yahoo.com

لیلا شاهمحمدی

کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میانه

Email:Leila.shhmohammadii@yahoo.com

چکیده

حافظ یکی از ارکان ادب فارسی است. اشعار حافظ از وجوه مختلفی تحقیق و بررسی شده است ولی وجه تعلیمی غزلیات حافظ کمتر مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. این پژوهش با پرداختن به پند و اندرزهای دیوان حافظ وجه تعلیمی غزلیات او را از جنبه اجتماعی مورد تحقیق و بررسی قرار می‌دهد.

هدف از این پژوهش ارایه بسامد پند و اندرز از دید اجتماعی در دیوان حافظ است تا با استفاده از آن و با نگاهی دیگر به زوایای پنهان شخصیت و روحیات حافظ دست یافت. از مجموع، ۴۳ پند اجتماعی استخراج شده از دیوان حافظ، که تحت عناوین مختلف آمده است «پرهیز از ریا و تزویر» بالاترین بسامد را داراست «تعامل و سازش با مردم»، «اغتنام مصاحبت با دوستان»، «آزار نرساندن به دیگران» و «حسن خلق و خوش رفتاری» از دیگر عناوین پندهای اجتماعی است که به ترتیب بیشترین بسامد را دارند.

کلمات کلیدی: حافظ، پند و اندرز، ادبیات تعلیمی، پند اجتماعی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

دیوان حافظ یکی از ذخایر ارزشمند ادب فارسی است. حافظ انسانی متعالی و دارای روحی حساس و عواطفی بسیار قوی است. او نسبت به اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه خود بی تفاوت نیست. دکتر هروی در مقدمه شروعی که برحافظ نوشته می نویسد: «سراسر دیوان حافظ حمله به تزویر و ناراستی و مدح عشق و حقیقت است. لحظه‌ای از حوادث اجتماعی زمان غفلت ندارد و در غزل‌ها می‌خواهد به همه آنها اشاره‌ای داشته باشد» (هروی، ۱۳۹۲: ۳۶)

«شعر حافظ هم عروس محفل ذوق و ادب است و هم تسخیرکننده‌ی اعتقاد و ایمان مردم». (مرتضوی، ۱۳۶۵: ۲)

حافظ فقط از عشق و عرفان سخن نمی‌گوید. به عقیده‌ی دکتر زرین کوب مطالعه قرآن و تأمل در آن وی را با درد واقعی انسان، با درد تعقل آشنا کرد. تعقل در نفس، در احوال انسان که قرآن مکرر مردم را به آن دعوت کرده بود (زرین کوب، ۱۳۷۵: ۳۲).

حافظ در شعرهایش از دردها سخن می‌گوید و گاه زبان به طعن و سرزنش می‌گشاید و هر جا که لازم بداند پند و اندرز می‌دهد. این انسان آزاده از هیچ کس ایایی ندارد و نصیحتش بی‌پروا و صریح است ولی در عین حال به زیبایی هرچه تمام‌تر پند می‌دهد.

بی‌شک شعر حافظ می‌تواند درونمایه‌های شعر تعلیمی را نیز یافت، بسیاری از صاحب‌نظران و حافظ‌شناسان بدان اذعان دارند که با تأمل در غزل‌های حافظ می‌توان درون‌مایه شعر تعلیمی را نیز در آن یافت. «شعر حافظ شعر تعلیمی و غنایی را وحدت می‌بخشد و میان آن دو جمع می‌کند و به همین سبب غزل‌های حافظ هم پرسش‌انگیز است و هم پاسخ پرسش‌ها را در خود نهفته دارد. غزل‌های حافظ با تلفیق شعر تعلیمی و غنایی و شعر عرفانی و غیرعرفانی مخاطبان خود را گسترش می‌دهد تا آن جا که هر کس به اقتضای ذهنیت و شخصیت خود می‌تواند با یکی از ابعاد غنایی، عرفانی و غیر عرفانی و تعلیمی آن ارتباط برقرار کند و گذشته از سؤال‌های عام، سؤال‌های خاص و فردی خود را در گفت و گوی با متن مطرح کند. (پورنامداریان، ۱۳۸۸: ۲۸۱)

چون اشعار غنایی حافظ بر دیگر وجوه آن می‌چربد و برجسته‌تر می‌نماید و شعری غنایی محسوب می‌شود بدان سبب محققان ویژگی‌های غنایی اشعار او را مورد تحقیق و بررسی قرار داده‌اند. کتاب‌ها و مقالات فراوانی که در زمینه عشق و عرفان حافظ به رشته تحریر در آمده است تنها اشاراتی به وجه تعلیمی اشعار او شده است. تعداد مقالات و کتاب‌هایی که در مورد وجه تعلیمی آن نگاشته شده است در مقایسه با دیگر موضوعات بسیار اندک است.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ای با همین موضوع می‌باشد. با پرداختن به پند و اندرزهای دیوان حافظ آن را از جنبه تعلیمی مورد بررسی قرار می‌دهد. اشعار حاوی پند و اندرز که از دیوان حافظ استخراج شده از لحاظ موضوعی در پنج دسته طبقه‌بندی شده، که در مقاله حاضر به انواع اجتماعی اشاره خواهیم کرد. ان شالله در مقالات دیگر چهار موضوع دیگر آرایه خواهد شد.

بیان مسئله

آثار حافظ از جایگاه خاصی در بین مردم برخوردار است. اشعار عرفانی و عاشقانه حافظ به حق بسیار زیباست. اشعار او از نگاه عرفانی و نیز عاشقانه بسیار مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. اهمیت این وجوه از شعرهای او به هیچ وجه قابل انکار نیست ولی باید اذعان داشت که حافظ، حافظ قرآن بوده و با آن که مشرب عرفان داشت در حقیقت از زمره عالمان عصر و مخصوصاً در شمار شاعران شرعی بود (صفا، ۱۳۷۴: ۱۸۹).

جای دارد اشعار او را از دیدگاه اخلاقی و تعلیمی نیز مورد بررسی قرار داد. یکی از وجوه اخلاقی شعر، پند و اندرز است که در شعر حافظ به گونه‌های متفاوت جلوه‌گر است. حافظ بسیار زیبا و استادانه پند می‌دهد پنجاهای او اندیشه آدمی را به سوی نیک‌بختی و دوری از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هرگونه زشتی و پلیدی سوق می‌دهد. اشعار او روح را نوازش می‌دهد هرچند سرزنش‌آمیز و گاه گزنده باشد. چرا که به جا و اندک پند می‌دهد.

درباب نصایح و پند و اندرزهای حافظ باب تحقیق باز است. این وجه از شعر حافظ به صورت شایسته، کامل و مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین نیاز جامعه‌امروزی، خصوصاً جوانان به اشعار پندآموز به طور غیر مستقیم احساس می‌شود. در این تحقیق سعی شده با غور در دریای بیکران حکمت و عرفان و ادب حافظ، دُر پند و اندرز صید شود تا همگان از آن گوشواری زیبا برای زینت روح و جان سازند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با بررسی آثار نظم ادب فارسی متوجه می‌شویم همه شاعران مباحث اخلاقی و پند و اندرز را به نوعی در آثارشان متجلی کرده‌اند و این حرکت از پدر شعر فارسی، رودکی آغاز می‌شود. پس از رودکی نیز بوشکور بلخی، کسایی مروزی، سنایی، سعدی و ... به پند و سخنان حکیمانه عنایت داشته‌اند.

حافظ نیز در این زمینه از دیگران مستثنی نیست ولی از آنجا که پرداختن به اشعار زیبای عارفانه و عاشقانه حافظ مجال برای بررسی این وجه از اشعار او باقی نگذاشته است لذا ضرورت داد که طی تحقیقی مستقل و به صورت جامع و کامل بدان پرداخته شود و آن دسته از ابیات دیوان او که حاوی پند است استخراج، دسته‌بندی و بررسی شود.

از آنجاکه پند و اندرز از اوج احساس مسئولیت، دردمندی و دقت و حساسیت شاعر نسبت به جامعه و مردم عصر خود نشأت می‌گیرد لذا بررسی این وجه از اشعار حافظ می‌تواند درک و شناسایی بهتر و عمیق‌تر از روحیات، عواطف و احساسات شاعر ارائه بدهد. از سوی دیگر بررسی پند و اندرزهای حافظ به شناخت شرایط و اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر حافظ کمک می‌کند چرا که شاعر زمانی از پند و اندرز سخن می‌گوید که شرایط ایجاب کند و در واقع شاعر به مقتضای حال و به هنگام مشاهده درد یا کاستی و نقص با سرودن اشعار پندآموز سعی در اصلاح و بهبود امور و اشخاص دارد.

هدف تحقیق

دستیابی به زوایای پنهان شخصیت و روحیات حافظ از روی اشعار حاوی پند. تدوین و مدون‌سازی اشعار حاوی پند و اندرز در دیوان حافظ جهت استفاده اساتید، معلمان، مشاوران و مربیان حوزه‌تعلیم و تربیت.

روش تحقیق

این تحقیق با توجه به موضوع آن از نوع تحقیق نظری است و از روش کتابخانه‌ای با فیش‌یادداشت برداری برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده و از روش آماری نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نتیجه استفاده شده است.

بیشترین بسامد پند و اندرز در دیوان حافظ پندهای اجتماعی است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

شعر تعلیمی

شعر تعلیمی به عنوان یکی از انواع چهار گانه ی شعر در ادبیات جهان است که شامل اشعار حماسی، غنایی، تعلیمی و تمثیلی می‌شود (رزمجو، ۱۳۷۴: ۴۸).

شعر تعلیمی یکی از پر بسامدترین مضامین و معانی، در بیش‌تر قالب‌های شعری و انواع ادبی است. شعر تعلیمی آن است که هدف سراینده آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی یا علوم و فنون باشد (همان: ۷۹). شعر تعلیمی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) ادبیات تعلیمی در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده است که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. قدیمی‌ترین نمونه از این دست، شعری از هسیود یونانی (قرن هشتم قبل از میلاد) است که تجربه‌های خود را در کشاورزی به برادر خود می‌آموزد.

ویرژیل شاعر رومی نیز منظومه‌ای دارد که موضوع آن چگونگی اداره مزرعه و نگه‌داری از آن است. این نوع ادبیات در زبان فارسی نیز نمونه‌هایی دارد از جمله: نصاب‌الصبیان از ابونصر فراهی در لغت و دانش‌نامه میسری در داروشناسی و طب (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷).

ب) در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و ... است. امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند منظور ادبیات تعلیمی عام است. (داد، ۱۳۸۵: ۲۰)

آن قسمت از آثار منظوم تعلیمی را که صرفاً به آموزش دانشی می‌پردازند نظم می‌خوانیم اما بدیهی است که به آثاری مانند مثنوی، بوستان و حدیقه که پندهای اخلاقی و عرفانی در آن‌ها مبتنی بر رعایت اصول ادبی است باید شعر اطلاق کرد و آن‌ها را مستقیماً جزو آثار ادب محسوب داشت. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۲۷۰)

معنای لغوی پند و اندرز و معنای اصطلاحی

معنای لغوی پند

پند از لحاظ دستوری اسم می‌باشد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا در ذیل معنای پند این چنین آمده است: پند آن است که به عربی نصیحت گویند (برهان قاطع. اندرز و نُصح. وعظ. موعظت. موعظه. عبرت. مهذب الاسماء). نُخِله. وَصاه. ذِکْر. ذِکْر. تَذْکِیر (منتهی-الارباب). صلاح گوئی. تذکره (دهخدا، ۱۳۷۲)

فرهنگ معین آن را به این صورت معنی کرده است:

اندرز، نصیحت، صلاح گوئی، موعظه، وعظ، ذکر، تذکیر، ۲- عهد، میثاق (معین، ۱۳۷۱: جلد ۱)

پند در نوشته‌های زرتشتی به زبان پهلوی تا سده سوم وازه‌ای بسیار آشنا و معنای متداول آن برابر «اندرز» به معنای نصیحت است ولی گهگاه به معنی «راه» نیز می‌آید که واژه اوستایی Pantay درست به همین معنی است. (بارتولومه، ستون ۸۴۷)

معنای لغوی اندرز

اندرز از لحاظ دستوری اسم می‌باشد. در لغت‌نامه دهخدا در ذیل معنای اندرز این چنین آمده است: پند (برهان قاطع)، موعظت، وعظ، موعظه، نصیحت، تذکیر، ذکری (دهخدا، ۱۳۷۲).

فرهنگ معین آن را به صورت معنی کرده است: ۱- پند، نصیحت، ۲- وصیت (دهخدا، ۱۳۷۷، جلد ۱).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژه اندرز از فارسی باستان Ham-darza و فارسی میانه‌ای handar2 مشتق می‌شود در ذیل در معنی وصل کردن و بستن آمده است. (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۹۵)

معنای اصطلاحی اندرز

اندرز در اصطلاح، بیش‌تر بر سخنان حکیمان‌ه‌ای اطلاق می‌شود که اغلب بزرگی همچون شاه یا روحانی‌ای بزرگ، برای راهنمایی فرزندان یا شاگردان، مؤمنان درباریان، عامه‌مردم یا صاحبان شغل و جمعی خاص فرموده باشد. (صباحی‌گراغانی، ۱۳۹۷: ۷)

پیشینه‌ی تحقیق

دیوان حافظ از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است و کتب و مقالات متعددی درباره‌ی حافظ و اشعار او به رشته‌ی تحریر درآمده است که همگی در نگارش و شکل‌گیری این پایان‌نامه نقش داشته‌اند ولی در کتب و مقالات زیر به وجه اخلاقی و تعلیمی شعر حافظ که مرتبط با موضوع پایان‌نامه می‌باشد بیشتر از دیگر آثار پرداخته شده است:

- کتاب «آب طربناک (تحلیل موضوعی دیوان حافظ» تألیف یحیی یثربی ۱۳۸۱.

- کتاب «نصایح حافظ» (ولایت علی (ع) و عشق به مهدی عجل... تعالی فرجه از دیوان خواجه حافظ شیرازی) تألیف علی اکبر واعظ موسوی. ۱۳۸۲.

- کتاب «گم شده لب دریا» (تأویلی در معنی و صورت شعر حافظ) تألیف تقی پور نامداریان. ۱۳۸۴.

- مقاله «حکمت و اخلاق در غزلیات» از غلامرضا رحمدل. ۱۳۸۰.

- مقاله «مکتب تربیتی حافظ» از سید کمال خرازی. ۱۳۸۵.

- مقاله «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ» از احمدرضا یلمه‌ها. ۱۳۹۰.

- مقاله «تأملی در شعر تعلیمی» از جواد غلامعلی‌زاده. ۱۳۹۱.

- مقاله «لحن تعلیمی در دیوان حافظ» از احمد رضی و سهیلا فرهنگی. ۱۳۹۲.

- مقاله «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران» از احمد رضا یلمه‌ها. ۱۳۹۵.

- مقاله «نیم نگاهی به جنبه‌های تعلیمی شعر حافظ از منظر نظریه‌ی روایت شنو» از مهری تلخابی و حسین آریان. ۱۳۹۶.

- مقاله «بررسی چگونگی بازتاب اندرز‌گزاری و اندرز‌گزاران در دیوان حافظ» از فرهنگ‌رویین تن و لیدا صباحی‌گراغانی. ۱۳۹۷.

در جست و جو‌هایی که به عمل آمد کتاب یا مقاله مستقل و جامعی درباره‌ی پندهای حافظ و طبقه‌بندی آنها یافت نشد.

پیشینه‌ی پند و اندرز در ادبیات فارسی

ایرانیان باستان به اصول و مبانی اخلاقی سخت پایبند بودند. چنان‌چه دین زرتشتی بر سه رکن پندار نیک، کردار نیک و گفتار نیک بنا نهاده شده بود. از آنجا که ادبیات آئینه‌ی جامعه است اخلاقیات آن دوره جلوه‌گر بود.

احمد تفضلی در کتاب تاریخ ادبیات پیش از اسلام می‌نویسد: «اخلاقیات مهم‌ترین بخش ادبیات پهلوی را تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که مشخصه‌ی بارز این ادبیات خصوصاً از جهت تأثیری که بعداً در ادبیات دوران اسلامی در کتاب‌های ادب و اخلاق عربی و فارسی گذاشته است، مجموعه‌ی اندرزهای آن است». (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۸۰)

«ظاهراً ایرانیان عصر ساسانی عشق و علاقه‌ی زیادی به این نوع از ادبیات داشته‌اند، زیرا در ادبیات پهلوی نوشته‌های بسیاری در حکمت

علمی و اخلاق به اسامی «اندرزنامه» یا «پندنامه» وجود داشته است». (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۵۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دوفوشه کور پندنامه‌های بزرگ مهر، انوشیروان و اردشیر را نشانه ارزش و اهمیت ادبی تعلیمی در ایران پیش از اسلام می‌داند. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۴۱)

بعد از اسلام نیز ایرانیان فرهنگ والا و غنی خود را با آموزه‌های اخلاقی و حکمی اسلامی در آمیختند و همچنان به ادبیات تعلیمی توجه و رغبت نشان دادند. رودکی پدر شعر فارسی سردم دار اشعار حکیمانه و اندرزی است آفرین‌نامه ابوشکور بلخی، شاهنامه فردوسی، تاریخ بیهقی، اشعار ناصر خسرو، سیاست نامه خواجه نظام الملک، قابوس‌نامه عنصرالمعالی، حدیقه سنایی، مثنوی مولوی، بوستان و گلستان سعدی و مرزبان نامه و حافظ هر یک در ادوار تاریخی مختلف به نظم و نثر در قالب‌ها و انواع مختلف آموزه‌های تعلیمی و پنداندز را در آثارشان بازتاب داده‌اند.

انواع پند و اندرزهای اجتماعی

۱- آزار نرساندن به دیگران

دلش به ناله میازار و ختم کن حافظ که رستگاری جاوید در کم آزاریست
(همان: ۱۲۸)

«سودی» کم‌آزاری را آزار نکردن و یا بی‌آزار بودن معنی کرده است و مثال می‌زند کم‌گو، هیچ مگو و کم کن یعنی هیچ مکن. (سودی، ۱۳۸۷: ۳۵۳)

با این توضیح حافظ رستگاری را در بی‌آزاری می‌داند و پند و اندرز می‌دهد که رستگاری جاوید در این است که آدمی نباید به هیچ‌کس آزار و اذیت رساند تا مردم از آزار و اذیت او در امان باشند.

خانه بر ملک ستمکاریست دولت باقی ز کم آزاریست
(نظامی، ۱۳۸۵: ۷۹)

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست
(حافظ، ۱۳۷۶: ۱۳۴)

یگران بود و باید از این کار احتراز کرد و به عقیده حافظ هرکاری به جز آزاررسانی رواست چرا که در شریعت حافظ گناهی غیر از این وجود ندارد.

پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: «... خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرُّ بِاللَّهِ وَالزُّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ.» دو خصلت ناپسند است که بدتر از آن‌ها نیست: شرک به خدا و آزار بندگان خدا. (ابن شعبه، حرانی، ۶۳)

۲- ارج نهادن افراد براساس شایستگی

همای گو مفن سایه‌ی شرف هرگز در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد
(همان: ۱۸۱)

دکتر حسینعلی هروی در توضیح این بیت می‌نویسد: «مضمون این بیت کنایه‌ی اجتماعی دارد. حافظ می‌گوید به مرغ هما بگو که سایه‌ی خوش‌یمن و مبارک خود را بر آن شهر و دیاری مینداز که برای مردم فرومایه بیش از مردم شریف قدر و منزلت قائلند چنان شهری آباد مباد.» (هروی، ۹۲: ۶۸۱) پند کنایی حافظ در این بیت این می‌تواند باشد که برای مردم دون و فرومایه در جامعه نباید بیش از مردم دانا قدر و ارزش قائل بود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳- اغتنام مصاحب با دوستان

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
(همان: ۱۵۳)

پند حافظ در این بیت دانستن هم‌نشینی و مصاحبت دوستان و بهره‌مندی و لذت بردن از این لحظات خوش هم‌نشینی است؛ چرا که زمانه سپری خواهد شد و بعد از ما چه بسیار شب‌ها و روزهایی که از پی هم خواهند آمد.

فرصت شمار صحبت کز این دو راهه منزل چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن
(همان: ۳۰۸)

حافظ نصیحت می‌کند که باید معاشرت و هم‌نشینی با دوستان را غنیمت شمرد زیرا وقتی زمان وداع برسد دیگر دیدار میسر نخواهد شد پس تا فرصت هست باید از مصاحبت و هم‌نشینی با دوستان بهره‌مند شد.

دمی با نیکخواهان متفق باش غنیمت دان امور اتفاقی
(همان: ۳۴۹)

حافظ توصیه می‌کند اگر دوستان نیک‌خواه و خیرخواهی داری با آن‌ها همراه و همدل باش و از لحظه لحظه‌ی معاشرت با آنان استفاده کن. چرا که همراهی دوستان نیک‌خواه کمتر اتفاق می‌افتد پس قدرش را باید دانست.

۴- امید به لطف خدا برای ریشه‌کنی ظلم

ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند
(همان، ۱۹۱)

حافظ با مخاطب قرار دادن خود به کسانی که بدلیل ظلم و ستم در جامعه ناامید شده‌اند نوید می‌دهد و آنها را نصیحت می‌کند که از لطف و مهربانی خداوند نباید قطع امید کرد زیرا روزی خواهد رسید که با لطف خداوند از ظلم و ستم در جامعه اثری نخواهد ماند.

۵- پاک‌ی اهل شریعت

آلودگی خرقه خرابی جهان است کو راهروی اهل دلی پاک سرشتی
(همان: ۳۳۳)

حافظ در مصراع اول این بیت یک نکته‌ی مهم اجتماعی را متذکر می‌شود و آن اینکه آلودگی و ناپاکی متصنّفان به شریعت باعث گمراهی و خرابی مردم جامعه می‌شود.

پند مستتر در مصراع اول این بیت این است که کسی که لباس اهل شریعت به تن می‌کند باید به دور از ریا و آلودگی باشد تا خلقی به واسطه‌ی او به گمراهی کشیده نشوند.

۶- پرهیز از ریا و تزویر

حافظا می‌خور و رندی کن و خوش باش ولی دلم تزویر مکن چون دگران قرآن را
(همان: ۱۰۱)

حافظ از ریا و تزویر بیزار است و همواره آن را نکوهش می‌کند و نصیحت به پرهیز از ریا و تزویر می‌کند تا جایی که در این بیت خطاب به خود می‌گوید: می‌توانی می‌خورد، رندی کرده و خوش باشی ولی نباید قرآن را وسیله‌ی ریا و فریب کاری قرار دهی.

باده نوشی که درو روی و ریائی نبود بهتر از زهدفروشی که درو روی و ریاست
(همان: ۱۰۶)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از جمله اعمالی که حافظ سخت از آن بیزار است ریاکاری و تظاهر به زهد است و بارها زاهدان و صوفیان را به باد انتقاد گرفته است. در این بیت نیز با ترجیح باده‌خواری بی‌روی و ریا بر زهد ریایی در واقع زاهدان را نصیحت می‌کند.

حافظ این خرقه بینداز مگر جان ببری کاتش از خرقه‌ی سالوس و کرامت برخواست
(همان: ۱۰۷)

حافظ خودش را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید که ریاکاری و زهدفروشی و اظهار کرامت را ترک بگوید و خرقه از تن بدر کند چرا که از خرمن سالوس و کرامت دروغین، آتش برمی‌خیزد. حافظ زاهدان ریاکار را نصیحت به ترک زهد و اظهار کرامت دروغین می‌کند زیرا عاقبت آن آتش و سوختن است.

می‌خور که صد گناه ز اغیار در حجاب بهتر ز طاعتی که به روی ریا کنند
(همان: ۱۹۹)

حافظ در این بیت طاعت روی و ریایی را مذمت و نکوهش می‌کند و می‌خوردن مخفیانه را بر طاعت ریاکارانه ارجح می‌داند و نصیحت به ترک طاعت و عبادت ریاکارانه می‌کند.

گرچه بر واعظ شهر این سخن آسان نشود تا ریا ورزد و سالوس مسلمان نشود
(همان: ۲۱۶)

حافظ در این بیت واعظ را مورد طعن و سرزنش و پند و اندرز قرار می‌دهد و او را ریاکار و سالوس خوانده و می‌گوید با وجود اینکه شنیدن این پند برای واعظ شهر سخت است ولی مادامی که ریاکاری و فریب‌کاری پیشه‌کند مسلمان نخواهد شد پس باید ریا و فریب را کنار بگذارد.

صوفی بیا که خرقه‌ی سالوس بر کشیم وین نقش زرق را خط بطلان بسر کشیم
(همان: ۲۹۸)

حافظ خطاب به صوفی می‌گوید: بیا تا خرقه‌ی ریا و تزویر را از تن بدر آوریم و بر نقش و طرح دورویی خط بطلان بکشیم پند حافظ در این بیت پرهیز از ریا و عبادت زاهدانه‌ی فریبکارانه است.

خدا را کم نشین با خرقه پوشان رخ از رندان بی سامان مپوشان
(همان: ۳۰۳)

حافظ توصیه می‌کند با صوفیان خرقه‌پوش و متظاهر کم‌تر معاشرت و هم‌نشینی کرده و در مقابل با رندان بی‌غل و غش و صافی اختلاط و معاشرت کنید و از آنان روی گردان نباشید. پند مستتر در این بیت مذمت خرقه‌پوشان متظاهر است.

آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقه‌ی پشمینه بینداز و برو
(همان: ۳۱۶)

حافظ خطاب به خود می‌گوید: زهد و ریاکاری چون آتشی است که خرمن دین و ایمان را خواهد سوزاند پس باید این خرقه‌ی زهد و ریا را دور انداخت. و در واقع حافظ در این بیت نصیحت به ترک ریا و زهد دروغین می‌کند چراکه زایل‌کننده‌ی دین و ایمان است. سعدی شیرازی نیز در مذمت زهد دروغین می‌فرماید:

طاعت آن نیست که بر خاک نهی پیشانی صدق پیش آر که اخلاص به پیشانی نیست
(سعدی، ۱۳۸۳: ۴۷۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا
(حافظ، ۱۳۷۶: ۹۹)

حافظ در این بیت پندی بسیار زیبا و ارزشمند می‌دهد و آن این که اگر طالب آسودگی و آرامش در دو جهانی دو اصل را در معاشرت با دیگران به کار ببر: با دوستان با مروت و انصاف رفتار کن و با دشمنان با رفق و مدارا.

حافظ تو ختم کن که هنر خود عیان شود با مدعی نزاع و محاکا چه حاجت است (همان: ۱۱۳)

حافظ توصیه می‌کند بحث و مجادله با مدعی را باید کنار گذاشت زیرا وقتی هنر و فضل در نهایت عیان خواهد شد مجادله کاری عبث و بیهوده است.

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
(همان: ۱۵۳)

حافظ دوست‌دار دوستی و محبت است و از کینه و دشمنی بیزار او در این بیت نیز این نکته را توصیه می‌کند که با مردمان دوستی کن تا به مراد و خواسته‌هایت برسی و دشمنی را هر چند کوچک و ناچیز باشد ریشه‌کن کن تا دچار رنج و ناراحتی نشوی.

حافظ از خصم خطا گفت نگیریم برو و به حق گفت جدل با سخن حق نکنیم
(همان: ۲۹۹)

حافظ عدم بحث و مجادله با دشمن را توصیه می‌کند و می‌گوید اگر دشمن سخن نادرستی گفت نباید او را مؤاخذه و توبیخ کرد و اگر حقیقت را بیان کرد نباید با او به مجادله برخاست.

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری
(همان: ۳۴۳)

روح لطیف و زلال حافظ به خوبی در این بیت منعکس است حافظ که خود در دوران پر آشوب و نزاع زیسته همواره از آن بیزار است و در این بیت نصیحت به صلح و دوستی و احتراز از جنگ و ستیزه می‌کند.

۸- تلاش برای حل مشکلات

چو غنچه گر چه فرو بستگیست کار جهان تو همچو باد بهاری گره گشا می‌باش
(همان: ۲۳۹)

حافظ کار جهان را چون غنچه‌ای فرو بسته می‌داند که پیچیدگی‌های فراوانی دارد ولی با این حال توصیه می‌کند برای گره‌گشایی و حل مشکلات آن باید تلاش و کوشش کرد و هم‌چون باد بهاری گره‌گشا بود و نباید از پا نشست.

۹- توقع وفاداری نداشتن از دیگران

وفا مجوی ز کس ور سخن نمی‌شنوی به هرزه طالب سیمرغ و کیمیا می‌باش
(همان: ۲۳۹)

وفاداری نایاب و کیمیاست و حافظ به خوبی به این نکته واقف است بنابراین توصیه می‌کند که نباید انتظار و توقع وفاداری از کسی را داشت و عدم پذیرش این موضوع به مثابه این است که بیهوده در پی سیمرغ و کیمیا باشیم.

۱۰- ثبات قدم در دوستی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سنگ سان شو در قدم نی همچو آب جمله رنگ آمیزی و تر دامنی
(همان: ۳۶۱)

حافظ توصیه می‌کند در دوستی و همراهی با یاران باید مانند سنگ ثابت قدم بود و در سلوک و رفتار خود نباید تغییری داده، هم چون آب هر لحظه به رنگی درآمده و حيله‌گر و تردامن بود.

۱۱- حسن خلق و خوش رفتاری

به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر به بند و دام نگیرند مرغ دانا را
(همان: ۹۸)

حافظ در این بیت توصیه می‌کند در جامعه هنگام مواجهه با افراد صاحب نظر باید از در ملاطفت و حسن خلق وارد شد چرا که با ریا و نیرنگ نمی‌توان نظر آن‌ها را جلب کرد هم‌چنان که پرنده‌ی دانا و زیرک را با دام و دانه نمی‌توان شکار کرد.

چنان بزی که اگر خاک ره شوی کس را غبار خاطری از رهگذار ما نرسد
(همان: ۱۸۰)

حافظ در این بیت به حسن معاشرت و خوش رفتاری با دیگران را سفارش کرده و نصیحت می‌کند که چنان زندگی کن و آن‌گونه با مردم رفتار کن که حتی اگر خاک راه شوی خاطر کسی از تو غبار آلود نشود.

۱۲- خضوع در برابر خالق

به چشم خلق عزیر جهان شود حافظ که بر در تو نهد روی مسکنت بر خاک
(همان: ۲۵۴)

انسان زمانی نزد مردم عزیز می‌شود که بر درگاه پروردگار با تضرع روی بر خاک بنهد و در واقع حافظ با خطاب قرار دادن خود، انسان‌ها را نصیحت می‌کند که اگر خواهان عزت و بزرگی نزد خالقند باید روی تضرع به خلق آورند.

۱۳- دادگری حاکمان

شاه را په بود از طاعت صدساله و زهد قدر یکساعته عمری که درو داد کند
(همان: ۱۹۵)

حافظ در این بیت حاکمان و امرا را به عدل و داد اندرز می‌دهد و می‌گوید برای حاکمان یک ساعتی که در آن عدل و داد کنند از صد سال زهد و عبادت بسیار بهتر و بارزتر است.

۱۴- رعایت ادب در محضر بزرگان

حافظا علم و ادب ورز که در مجلس شاه هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود
(همان: ۲۰۶)

در این بیت حافظ با مخاطب قرار دادن خود پند می‌دهد که اگر طالب صحبت و هم‌نشینی با شاهان و بزرگانی در طلب علم و ادب بکوش چرا که آن کس لایق هم‌نشینی و هم‌صحبتی با بزرگان است که علم و ادب داشته باشد.

۱۵- عدم اظهار ملالت از هم‌سفران

ملول از هم‌رهان بودن طریق کردانی نیست بکش دشواری منزل به یاد عهد آسانی
(همان: ۳۵۹)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ مسافران را نصیحت می‌کند هنگام سفر نباید از همراهان اظهار ملالت و بیزاری نمود چرا که رسم و شیوه‌ی فرد کاردان این‌گونه نیست و باید به یاد زمانی که به مقصد رسیده و آسایش حاصل می‌شود دشواری منازل بین راه را تحمل کرد.

۱۶- عدم مجادله با مصیبت‌زدگان

دردمندان بلا زهر هلاهل دارند قصد این قوم خطا باشد هان تا نکنی
(همان: ۳۶۲)

حافظ یادآوری می‌کند در رفتار با کسانی که دچار بلا و مصیبت شده‌اند باید جانب احتیاط را رعایت کرد و نباید به ستیزه و مجادله با آنان برخاست چرا که آن‌ها زهرکشنده‌ای دارند و در افتادن با آن‌ها خطرناک است.

۱۷- عدم خودنمایی در محفل بزرگان

بر بساط نکته دانان خودفروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو ای مرد عاقل یا خاموش
(همان: ۲۴۶)

حافظ در مورد آداب سخن‌گویی صحبت کرده و توصیه می‌کند فرد عاقل در محفل دانایان و نکته‌سنجان خودنمایی و اظهار فضل نمی‌کند یا باید آگاهانه سخن بگوید و یا خاموش باشد.

۱۸- عدم مداخله در امور بزرگان

رموز مصلحت ملک خسروان دانند گدای گوشه‌نشینی تو حافظا مخروش
(همان: ۲۴۴)

حافظ در این بیت سفارش به عدم مداخله در امور بزرگان می‌کند چراکه آنان به امور، اشراف کامل دارند و خطاب به خود می‌گوید: ای حافظ تو یک مستمند گوشه‌نشین بیشتر نیستی این همه قیل و قال نکن، پادشان به خیر و صلاح امور آگاهی کامل دارند.

۱۹- عدم معاشرت با بدان

نیک نامی خواهی ای دل با بدان صحبت مدار خودپسندی جان من برهان نادانی بود
(همان: ۲۱۱)

حافظ در این بیت نیز توصیه می‌کند با مردمان بد نباید معاشرت کرد چرا که رسوایی و بدنامی به همراه می‌آورد و اگر شخصی از سر خودبینی و غرور این اندرز حافظ را نادیده بگیرد دلیل بر نادانی و جهالتش خواهد بود زیرا همگان از تأثیر هم‌نشینی بر شخصیت و اخلاق و رفتار انسان آگاهند. چنان‌چه شیخ اجل سعدی شیرازی می‌فرماید:

با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد سگ اصحاب کهف روزی چند پی مردم گرفت و
مردم‌شد (سعدی، ۱۳۸۳: ۸۱)

نخست موعظه‌ی پیر صحبت این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید
(حافظ، ۱۳۷۶: ۲۲۴)

معاشرت با افراد بدکردار می‌تواند انسان را به ورطه‌ی سقوط و بدبختی بکشاند و حافظ با وقوف بر این مورد آن را اولین پند پیر معاشرت دان بر شمرده و از قول او اندرز می‌دهد که از هم‌نشینی و مصاحبت با افراد ناجنس دوری کنید

نازنینی چو تو پاکیزه دل و پاک نهاد بهتر آن است که با مردم بد نشینی
(حافظ، ۱۳۷۶: ۳۶۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ در این بیت به فرد پاک‌دل و پاک‌نهاد سفارش می‌کند که بهتر است با مردم بدهم‌نشینی و معاشرت نکند. پیام‌وزمت کیمیای سعادت ز هم صحبت بد جدایی جدایی (همان: ۳۷۱)

حافظ در این بیت پندی ارزشمند می‌دهد که عمل بدان کیمیای سعادت و خوشبختی است و آن این‌که باید از دوست و هم‌نشین بد دوری و احتراز کرد.

۲۰- عدم معاشرت با پیمان‌شکنان

پیر پیمان‌کش من که روانش خوش باد گفت پرهیز کن از صحبت پیمان‌شکنان (همان: ۳۰۴)

حافظ در این بیت سفارش به عدم معاشرت و دوستی با پیمان‌شکنان و بدعهدان می‌کند و معاشرت با این‌گونه افراد را منع می‌کند.

۲۱- عدم معاشرت با متظاهران

خدا را کم‌نشین با خرقة پوشان رخ از رندان بی‌سامان مپوشان (همان: ۳۰۳)

حافظ توصیه می‌کند با صوفیان خرقة‌پوش و متظاهر کم‌تر معاشرت و هم‌نشینی کرده؛ در مقابل با رندان بی‌غل و غش و صافی اختلاط و معاشرت کنید و از آنان روی‌گردان نباشید.

۲۲- عدم نارضایتی از جایگاه اجتماعی

فلک به مردم نادان دهد زمام مراد تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس (همان: ۲۳۷)

حافظ شخص فاضل را نصیحت می‌کند بدلیل محرومیتش در جامعه ناراحت نباشد دلیل محرومیت او فضل و دانش اوست چرا که روزگار زمام امور را به دست مردم نادان می‌دهد.

۲۳- کسب شایستگی قبل از تصدی مقام

تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی (همان: ۳۶۳)

نمی‌توان به گزاف بر منصب بزرگان تکیه زد بلکه باید قبل از آن، ملزومات بزرگی را که در خور آن مقام است فراهم کرد، شاید با عمل به این پند بیش‌تر مشکلاتی که ناشی از عدم مدیریت صحیح و عدم کفایت برخی صاحب‌منصبان است مرتفع شود. هم‌چنان‌که نظامی می‌گوید:

دلا تا بزرگی نیاری به دست به جای بزرگان نباید نشست (نظامی، ۱۳۷۰: ۸۵۶)

۲۴- مأمون‌جستن در زمان آشفتگی

به مأمونی رو و فرصت شمر غنیمت وقت که در کمین‌گه عمرند قاطعان طریق (همان: ۲۵۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

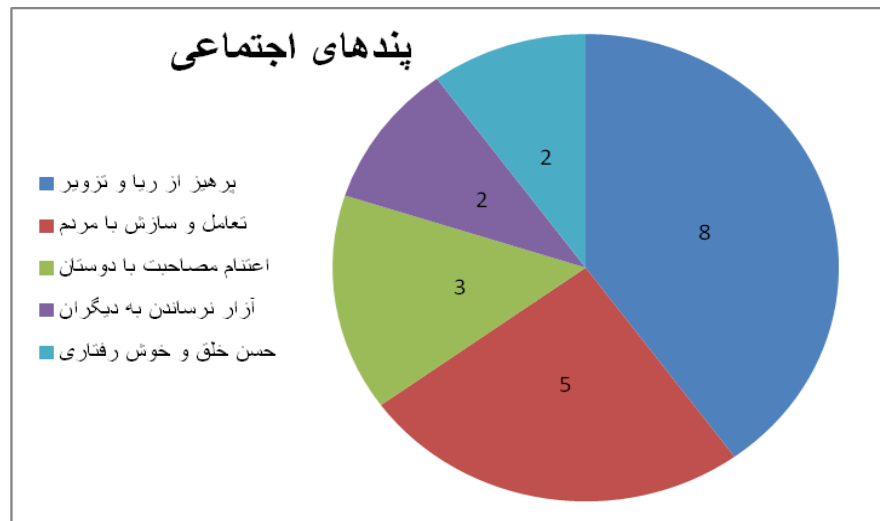
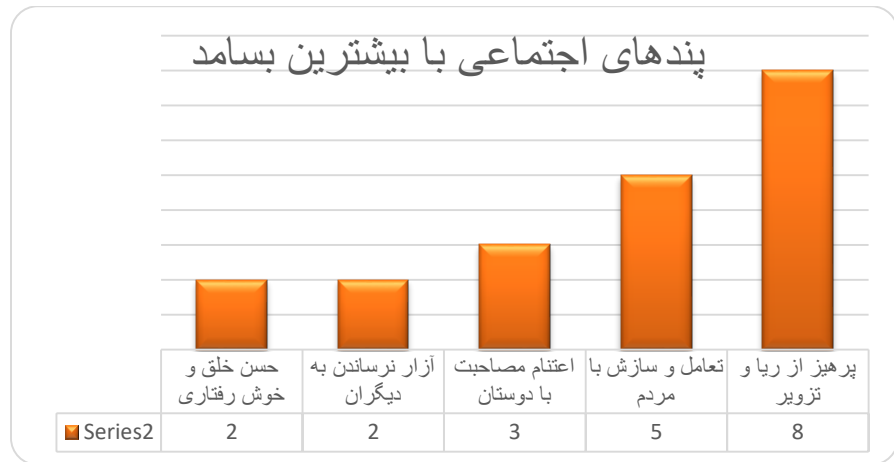
The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

وی می‌فرماید در مواقع آشفتگی اوضاع باید به محل امنی رفته و فرصت‌های عمر و وقت را غنیمت بشمارید چراکه انواع حوادث در کمین‌گه عمر انسانند پس باید محل امن یافته و از فرصت‌های عمر استفاده کرد.

۲۵- همراهی مردان خدا

یار مردان خدا باش که در کشتی نوح هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
(همان: ص ۱۰۱)

او در مصراع اول بیت به افراد جامعه همراهی و یاری مردان حق و انسان‌های راستین را خواهان است.



نمودار پندهای پرسامد اجتماعی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه‌گیری

در مجموع، ۴۳ پند اجتماعی از دیوان حافظ استخراج شده، تحت عناوین مختلف آمده است که از این میان «پرهیز از ریا و تزویر» با بسامد ۸ پند بالاترین بسامد را داراست که نشان‌دهنده رواج ریا و تزویر در عصر حافظ است و در ضمن بیزاری و نفرت او از این مسئله را نشان می‌دهد. «تعامل و سازش با مردم» با بسامد ۵ پند، دومین بسامد بالا را در پندهای اجتماعی دارد که نشان‌دهنده روحیه صلح‌دوستی و سازش‌کاری حافظ است. «اغتنام مصاحبت با دوستان»، «آزار نرساندن به دیگران» و «حسن خلق و خوش‌رفتاری» از دیگر عناوین پندهای اجتماعی است که بیش‌ترین بسامد را دارند.

منابع:

۱. پورنامداریان، تقی؛ گم‌شده لب دریا (تأملی در معنی و صورت شعر حافظ) چاپ دوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۸۴
۲. تفضلی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۸
۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین؛ حافظ قزوینی - غنی، تصحیح قاسم غنی و علامه محمد قزوینی، به کوشش علی جریزه‌دار، چاپ دوم، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۶۸
۴. _____ دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ بیستم، انتشارات صفی‌علیشاه، تهران، ۱۳۷۶
۵. حسن دوست، محمد؛ فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۳
۶. داد، سیما؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، واژه‌نامه اصطلاحات ادبی و فارسی و اروپایی، مروارید، تهران، ۱۳۸۵
۷. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲
۸. دوفوشه کور، شارل هانری؛ اخلاقیات مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، مترجم عبدالمحمد روح‌بخشان و محمدعلی امیرمعزی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۷
۹. رستگار فسائی، منصور؛ انواع شعر، نوید شیراز، شیراز، ۱۳۸۰
۱۰. رزمجو، حسین؛ انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ سوم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴
۱۱. _____ نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۱
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین؛ از کوچه رندان، چاپ دهم، انتشارات سخن، تهران، ۱۳۷۵
۱۳. سعدی، مصلح بن عبدالله؛ کلیات سعدی، با مقدمه و تصحیح محمدعلی فروغی، چاپ یازدهم، نشر طالع، تهران، ۱۳۷۶
۱۴. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، چاپ دهم، چاپخانه رامین، تهران، ۱۳۸۳
۱۵. صفا، ذبیح‌اله؛ تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم - بخش اول (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری)، تهران، انتشارات فردوس.
۱۶. _____ تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم - بخش دوم (از اوایل قرن هفتم تا پایان قرن هشتم هجری)، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۶۹
۱۷. _____ تاریخ ادبیات ایران. تلخیص از محمد ترابی. جلد دوم، چاپ دهم، انتشارات بدیبه، تهران، ۱۳۷۴
۱۸. فتوحی رود معجنی، محمود؛ بلاغت تصویر، انتشارات سخن، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۳
۱۹. محمدی، محمد؛ فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی، چاپ سوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۴
۲۰. مرتضوی، منوچهر؛ مکتب حافظ، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۵

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲۱. معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۱
۲۲. هروی، حسینعلی؛ شرح غزل‌های حافظ. چاپ هشتم، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۹۲
۲۳. یثربی، یحیی؛ آب طربناک (تحلیل موضوعی دیوان حافظ). چاپ اول، آفتاب توسعه، تهران، ۱۳۸۱
24. Schimmel, Annemarie (2006). "Hāfīz and His Contemporaries". In Peter Jackson. *The Cambridge History of Iran*. 6. Cambridge: Cambridge University Press. ISBN 0521200946.
25. Wickens, G. M. (1986). "Hāfīz". *Encyclopaedia of Islam* (2nd ed.). Leiden: E. J. Brill
- مقالات:
۲۴. پورنامداریان، تقی، «حافظ»، دانشنامه زبان و ادب فارسی، شماره ۲، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۶
۲۵. رحمدل، غلامرضا، حکمت و اخلاق در غزلیات، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران-تابستان و پاییز، ۱۳۸۰، ۲۲۳-۲۴۴
۲۶. رستگار فسایی، منصور، فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی، مجموعه مقالات درباره شاهنامه فردوسی، تهران، ۱۳۸۲، طرح نو.
- رضی، احمد، فرهنگی، سهیلا، لحن تعلیمی در دیوان حافظ، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال ۱۳۹۲، شماره هجدهم، ص ۷۹-۱۰۲.
۲۷. غلامعلی‌زاده، جواد، روشنفکر، کبری، تأملی در شعر تعلیمی، پژوهش‌نامه تاریخ ادبیات، شماره ۶۹، سال ۱۳۹۰
۲۸. فرهمند، روین تن، صباحی‌گراغانی، لیدا، بررسی چگونگی بازتاب اندرزگزاران در دیوان حافظ. پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال دهم، شماره ۳۹، ۱۵۳-۱۷۳
۲۹. یلمه‌ها، احمدرضا. بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال سوم، ۱۳۹۰، شماره یازدهم، ۱۷۵-۱۵۳
۳۰. _____ بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطور و تحول آن در ایران، پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، سال ۱۳۹۵، ص ۶۱-۹۰

Abstract

Hafez is one of the greatest poets of Persian literature, Hafeez's poems have been under investigation from many points of view but the didactic aspect hasn't paid enough attention, this research surveys the didactic aspect of Hafeez's poems by scrutinizing its maxims and sayings and also subjectively categorize them into five groups: Moral, Social, Romantic, Mystical and Philosophical.

The main objective of this research is that by determination of the frequency of each category gain new insight into hidden aspects of Hafeez's personality, looking at the hi-frequency of ethical maxims shows the importance of moral matters in Hafeez's view and also the frequency of mystical maxims is a manifestation of his familiarity with mysticism. Between all the maxims and sayings distrust to the world and also permanent Happiness has the highest frequency so that indicates that Hafeez had a very thoughtful view of the world and didn't trust it for sake of permanent happiness and recommend it to everyone.

keywords: Hafeez, Maxims and sayings, Didactic literatur